

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۲

اثر مدیریت سود بر مربوط بودن معیارهای سود و ارزش دفتری در تعیین ارزش شرکت: مقایسه اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلند مدت

دکتر محمد عرب مازار یزدی *

محمود مصطفی زاده **

چکیده

این پژوهش شواهدی را در رابطه با اثر مدیریت سود بر مربوط بودن معیارهای سود و ارزش دفتری در تعیین ارزش شرکت با مقایسه اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلند مدت فراهم می‌کند. طبق نتایج تحقیق، مدیریت سود مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد و علاوه بر این، مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت، اثر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری در مقایسه با مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، اقلام تعهدی، سود، ارزش دفتری، اقلام تعهدی اختیاری.

مقدمه

عملکرد و رویه‌های حسابداری طی قرن‌های متمادی تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. اما در جریان این تغییر و تحولات، هدف نهایی حسابداری و گزارشگری مالی، که تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان از خدمات حسابداری است، همچنان بدون تغییر باقی مانده است. گزارشگری مالی یکی از منابع اطلاعاتی کسانی است که در مورد مؤسسه تجاری تصمیم‌های اقتصادی می‌گیرند. افرادی که از اطلاعات مالی استفاده می‌کنند، باید اطلاعات تهیه شده به وسیله گزارشگری مالی را با اطلاعات مرتبطی که از سایر منابع به دست می‌آورند، ترکیب کنند تا بتوانند به طور مناسبی تصمیم‌گیری کنند.

با توجه به جنبه‌های اقتصادی اطلاعات، گزارشگری مالی و سیستم حسابداری نقش حیاتی در بازار سرمایه کارا ایفا می‌کنند. بر این اساس، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری تلاش می‌کنند تا بر انطباق اطلاعات سیستم حسابداری با اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران بیفزایند. آنها هدف اصلی حسابداری را تأمین نیازهای اطلاعاتی بازار سرمایه عنوان می‌کنند. بنابراین ارزیابی سودمندی اطلاعات حسابداری در ارزشیابی سهام یا مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش شرکت که در تحقیقات اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته، به عنوان یک الگوی اصلی در تحقیقات حسابداری مالی مطرح شده است. (چن^۱ و دیگران، ۱۹۹۹)

امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث برانگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری به شمار می‌رود. از آنجا که سرمایه‌گذاران به رقم سود به عنوان یکی از متغیرهای مهم تصمیم‌گیری توجه ویژه‌ای دارند، این پژوهش‌ها از جنبه رفتاری، اهمیت خاصی می‌یابد. پژوهش‌ها نشان داده است که نوسان کم و پایدار سود، حکایت از کیفیت آن دارد. به این ترتیب، سرمایه‌گذاران با اطمینان خاطر بیشتر در سهام شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که روند سود آنها با ثبات تر است. (نوروش و دیگران، ۱۳۸۴)

این پژوهش به بررسی اثر مدیریت سود بر مربوط بودن معیارهای سود و ارزش دفتری در تعیین ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلند مدت در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ می‌پردازد. در ادامه پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش تحقیق و در نهایت نتایج و یافته‌های تحقیق تحلیل و

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه خواهد شد.

مدیریت سود

مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای آوردن سود گزارش شده به سطح مورد نظر تعریف شده است. اگر چه مدیریت سود در ادبیات حسابداری پیشنهاد شده است، ولی قطعیت نیافته است (ملائطری و کریمی زند، ۱۳۸۶). فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری است. این انعطاف پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد انعطاف پذیر می‌شود، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه‌کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. (نوروش و دیگران، ۱۳۸۶)

هیلی و ولن^۱ (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهام‌داران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تأثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می‌دهد.

در ادبیات حسابداری، یافتن تعریفی روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلبات مالی مشخص نیست. تقلب مالی، حذف یا دستکاری عمدی واقعیات اصلی یا داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود باعث تغییر قضاوت و یا تصمیم استفاده‌کننده از داده‌ها می‌شود. (نوروش و دیگران، ۱۳۸۶)

معمولاً مدیران برای انجام مدیریت سود از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. برخی از این روش‌ها به شرح زیر است:

۱. ارزشیابی حساب‌های ذخیره: به دلیل آن‌که حساب‌های ذخیره مبتنی بر برآوردهای مدیریت است و مانده آن‌ها از سالی به سال بعد افزایش یا کاهش می‌یابد، می‌تواند توسط مدیریت برای دستکاری سود مورد استفاده قرار گیرند.
۲. انتخاب روش‌های حسابداری: در مواردی که برای یک موضوع خاص طبق استانداردهای حسابداری چند روش حسابداری مجاز جایگزین وجود دارد، مدیران

می‌توانند یکی از آنها را انتخاب کنند. مدیران از این طریق می‌توانند سود را مدیریت کنند. برای مثال، انتخاب روش استهلاک تسریعی در سال‌های اولیه عمر دارایی در مقایسه با روش خط مستقیم به سود پایین‌تر منجر خواهد شد.

۳. برآوردهای حسابداری: تغییرات در برآوردهای حسابداری، روش دیگری است که مدیران می‌توانند بر سود حسابداری گزارش شده اثر بگذارند. برای مثال، مدیران باید عمر مفید و ارزش اسقاط تمام دارایی‌های استهلاک پذیر و تغییرات در این برآوردها را که بر هزینه استهلاک اثر خواهد گذاشت، برآورد کنند.

۴. تصمیمات واقعی اقتصادی: ابزارهایی وجود دارند که مدیران می‌توانند از آنها برای تأثیر مدیریت سود بر جریان‌های نقدی بهره گیرند. به دلیل این که جریان‌های نقدی شرکت تحت تأثیر قرار می‌گیرد، گفته می‌شود که این تصمیمات آثار اقتصادی واقعی دارند. برای مثال، مدیری که قصد دارد سود گزارش شده شرکتش را افزایش دهد، می‌تواند مخارج تحقیق و توسعه را کاهش دهد. از آنجا که مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه دوره محسوب می‌شود، کاهش در مخارج تحقیق و توسعه، عملاً هزینه تحقیق و توسعه را کاهش خواهد یافت که این امر سبب افزایش سود گزارش شده می‌شود. لکن باید توجه شود که این تصمیم بر جریان‌های نقدی شرکت تأثیر می‌گذارد، زیرا هزینه کمتری صرف تحقیق و توسعه شده است. (گانتر^۱، ۲۰۰۵)

پیشینه تحقیق

آیرز و دیگران^۲ (۲۰۰۶) در تحقیقی دریافتند که ارتباط مثبت بین ارقام تعهدی اختیاری و ضربان الگوی سود برای اهداف شبه سود در تمام موارد توزیع سود وجود دارد و همچنین ارتباط مثبت بین ارقام تعهدی اختیاری و متغیرهای تقویت کننده پیرامونی الگوی واقعی سود مشاهده می‌شود. حبیب^۳ (۲۰۰۴) در تحقیقی نشان داد که معیارهای مدیریت سود و معیارهای کلی مدیریت سود (ترکیبی از معیارهای هموارسازی سود و مدیریت سود) به طور معنادار و منفی با مربوط بودن ترکیبی از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سود (مدل ترکیبی) و مربوط بودن سود (مدل سود) مرتبط می‌باشد.

یزدانی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش ترازنامه در محدود کردن مدیریت

1- Guenther

2- Ayers et al.

3- Habib

سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، داده‌های چهار ساله شرکت‌های هموار ساز را بررسی و اطلاعات استخراج شده از شرکت‌ها را با استفاده از مدل لوجیت ترتیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به این نتیجه رسید که خالص دارایی‌های عملیاتی به عنوان عامل محدود کننده مدیریت سود، امکان هموار سازی سود در سال‌های آتی را محدود می‌نماید. درستی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان بررسی پدیده مدیریت سود از راه فعالیت‌های مؤثر بر جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافت که شرکت‌هایی که سود سالانه پایینی را گزارش می‌کنند، به دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی می‌پردازند. ابراهیمی کردلر و حسنی آذربایانی (۱۳۸۵) نیز در تحقیق دیگری با عنوان بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با بررسی ۳۰ شرکت عرضه کننده اولیه سهام در بین سالهای ۷۸ تا ۸۰ نشان دادند که مدیران، سود شرکت‌ها را در سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم، مدیریت می‌کنند.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق به شرح زیر است:

۱. مدیریت سود، مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد.
۲. مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت، اثر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری نسبت به مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت دارد.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

متغیر وابسته برای هر دو فرضیه قیمت سهام می‌باشد.

متغیرهای مستقل

سود هر سهم: برابر است با سود خالص پس از کسر سود سهام ممتاز تقسیم بر سهام

عادی.

ارزش دفتری هر سهم: برابر است با ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر تعداد سهام.

متغیرهای کنترل

اهرم: برابر است با کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها.

بازده حقوق صاحبان سهام: برابر است با سود هر سهم تقسیم بر ارزش دفتری هر سهم.
زیان: چنانچه شرکت دارای زیان باشد، مساوی با یک است و در غیر این صورت مساوی با صفر.

متغیرهای ظاهری

مدیریت سود: که از رابطه (۱) به دست می‌آید و مقادیر به دست آمده از رابطه (۱) به ترتیب نزولی به صعودی مرتب گردیده، مقادیر بالاتر از میانه به عنوان شرکت‌های اعمال کننده مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با یک می‌باشد و مقادیر پایین‌تر از میانه به عنوان شرکت‌های غیر اعمال کننده مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با صفر می‌باشد.

مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت: که از رابطه (۲) به دست می‌آید و مقادیر به دست آمده از رابطه (۲) به ترتیب نزولی به صعودی مرتب گردیده، مقادیر بالاتر از میانه به عنوان شرکت‌های اعمال کننده مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت در نظر گرفته شده و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با یک می‌باشد و مقادیر پایین‌تر از میانه به عنوان شرکت‌های غیر اعمال کننده مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت در نظر گرفته می‌شود و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با صفر می‌باشد.

مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت: که از رابطه (۳) به دست می‌آید و مقادیر به دست آمده از رابطه (۳) به ترتیب نزولی به صعودی مرتب گردیده، مقادیر بالاتر از میانه به عنوان شرکت‌های اعمال کننده مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت در نظر گرفته می‌شود و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با یک می‌باشد و مقادیر پایین‌تر از میانه به عنوان شرکت‌های غیر اعمال کننده مدیریت سود

با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت در نظر گرفته می‌شود و مقدار متغیر ظاهری آن برابر با صفر می‌باشد.

برآورد ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلند مدت

ارقام تعهدی اختیاری اقلامی است که مدیریت بر آن‌ها کنترل دارد و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر اندازد و یا حذف کند و یا ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع نماید. از آن جا که ارقام تعهدی اختیاری در اختیار مدیریت و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص کشف مدیریت سود استفاده می‌شود. (مشایخی و دیگران، ۱۳۸۴)

ارقام تعهدی اختیاری شامل ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت می‌باشد. ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، اقلامی هستند که تحت تأثیر حساب‌های سرمایه در گردش بوده و تغییرات در دارایی‌ها و بدهی‌های جاری را منعکس می‌کنند. ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت شامل استهلاک، ذخایر، تجدید ارزیابی دارایی‌ها و تعویلات مربوط به ارزش منصفانه اوراق بهادار می‌باشند. در این پژوهش جهت شناسایی و برآورد ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلند مدت از مدل جونز و مدل تعدیل شده جونز استفاده می‌شود. دو معیار کلیدی گنجانده شده در این مدل‌ها، تغییر در درآمد و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات می‌باشد که تغییر در درآمد مرتبط با ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و تغییر در اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات مرتبط با ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت می‌باشند. (ولن^۱، ۲۰۰۴)

جهت برآورد ارقام تعهدی مورد انتظار از فرمول ذیل استفاده می‌شود:

$$\frac{ACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} = \varphi_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + \varphi_2 \left(\frac{\Delta REV_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + \varphi_3 \left(\frac{PPE_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + \varepsilon_{j,t}$$

که در آن:

$ACC_{j,t}$: کل ارقام تعهدی برای شرکت زد در سال t (تفاضل سود عملیاتی و جریان‌های نقدی عملیاتی)

$\Delta REV_{j,t}$: درآمدها در سال t پس از کسر درآمدها برای شرکت زد در سال $t-1$

$PPE_{j,t}$: اموال، ماشین آلات و تجهیزات برای شرکت j در سال t

$TA_{j,t-1}$: کل دارایی‌ها برای شرکت j در سال $t-1$

تفاوت برآورد مذکور و ارقام تعهدی واقعی، به عنوان کل ارقام تعهدی اختیاری فرض می‌شود، یعنی:

$$DACC_{j,t} = \frac{ACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} - \left[j_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + j_2 \left(\frac{\Delta REV_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + j_3 \left(\frac{PPE_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) \right] \quad (1)$$

که در آن:

$DACC_{j,t}$: کل ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت j در سال t (شاخص مدیریت سود)

$ACC_{j,t}$: کل ارقام تعهدی برای شرکت j در سال t

جهت برآورد ارقام تعهدی کوتاه مدت مورد انتظار، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{STACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} = \gamma_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + \gamma_2 \left(\frac{\Delta REV_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + \varepsilon_{j,t}$$

که در آن:

$STACC_{j,t}$: ارقام تعهدی کوتاه مدت برای شرکت j در سال t که طبق معادله زیر محاسبه

می‌شود:

$$STACC_{j,t} = \Delta AR_{j,t} + \Delta INV_{j,t} + \Delta OCA_{j,t} - \Delta AP_{j,t} - \Delta TXP_{j,t} - \Delta OCL_{j,t}$$

به طوری که:

$\Delta AR_{j,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

$\Delta INV_{j,t}$: تغییر در موجودی کالای شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

$\Delta OCA_{j,t}$: تغییر در سایر دارایی‌های جاری شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

$\Delta AP_{j,t}$: تغییر در حساب‌های پرداختی شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

$\Delta TXP_{j,t}$: تغییر در مالیات پرداختی شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

$\Delta OCL_{j,t}$: تغییر سایر بدهی‌های جاری شرکت j بین سال‌های t و $t-1$.

تفاوت برآورد بالا و ارقام تعهدی کوتاه مدت واقعی، به عنوان ارقام تعهدی اختیاری کوتاه

مدت فرض می‌شود، یعنی:

$$STDACC_{j,t} = \frac{STACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} - \left[g_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + g_2 \left(\frac{\Delta REV_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) \right] \quad (2)$$

که در آن:

$STDACC_{j,t}$: ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت برای شرکت j در سال t

جهت برآورد ارقام تعهدی بلند مدت مورد انتظار، از محرک‌های کلیدی ارقام تعهدی بلندمدت شامل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، دارایی‌های نامشهود و ذخایر غیر جاری استفاده می‌شود:

$$\frac{LTACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} = \eta_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + \eta_2 \left(\frac{PPE_{j,t-1}}{TA_{j,t-1}} \right) + \eta_3 \left(\frac{INT_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + \eta_4 \left(\frac{NCP_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + \varepsilon_{j,t}$$

که در آن:

$LTACC_{j,t}$: ارقام تعهدی بلند مدت برای شرکت زدر سال t (تفاضل ارقام تعهدی کل و ارقام تعهدی کوتاه مدت به شرح معادله‌های بالا)

$INT_{j,t}$: دارایی‌های نامشهود برای شرکت زدر سال t

$NCP_{j,t}$: ذخایر غیر جاری برای شرکت زدر سال t

تفاوت برآورد بالا و ارقام تعهدی بلند مدت واقعی، به عنوان ارقام تعهدی اختیاری بلندمدت فرض می‌شود، یعنی:

$$LTDACC_{j,t} = \frac{LTACC_{j,t}}{TA_{j,t-1}} - \left[h_1 \left(\frac{1}{TA_{j,t-1}} \right) + h_2 \left(\frac{PPE_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + h_3 \left(\frac{INT_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) + h_4 \left(\frac{NCP_{j,t}}{TA_{j,t-1}} \right) \right] \quad (3)$$

که در آن:

$LTDACC_{j,t}$: ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت برای شرکت زدر سال t .

قلمرو و تحقیق، جامعه مورد مطالعه و نمونه آماری

قلمرو تحقیق شامل یک دوره زمانی شش ساله از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. دوره زمانی برای برآورد ضرایب مدل جونز از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و برای نمونه‌گیری از روش حذفی سیستماتیک به شرح زیر استفاده شده است:

۱. شرکت‌ها باید تا پایان اسفند سال ۷۹ در بورس پذیرفته شده باشند.
۲. سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند باشد.
۳. شرکت‌ها نباید سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
۴. شرکت‌ها نباید جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری بوده و فعالیت آن‌ها تولیدی باشد.
۵. حجم معاملات سالانه سهام شرکت‌ها نباید کمتر از پنجاه مورد (به‌طور متوسط یک معامله در هفته) باشد. (عرب مازار یزدی، ۱۳۷۴)
۶. اطلاعات مورد نیاز در مورد شرکتها (متغیرهای مورد اشاره در بخش تعریف متغیرها)

در دسترس باشد.

روش‌های آماری

در این تحقیق از روش‌های مختلف آماری به شرح زیر برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. و سطح خطای آماری برای رد یا قبول فرضیه‌ها ۵ درصد و کلیه آزمون‌های آماری (به استثنای آماره والد) با نرم افزار SPSS و آماره والد با نرم افزار SAS انجام شده است.

بررسی فرضیه‌های آماری

آزمون فروض کلاسیک مدل رگرسیون شامل نرمال بودن، همسانی واریانس و استقلال می‌باشند. برای بررسی نرمال بودن مانده‌ها از آزمون کولموگوف - اسمیرنوف استفاده می‌شود. برای بررسی همگنی واریانس از نمودار پراکنش مانده‌های استاندارد شده در مقابل پیش‌بینی‌های استاندارد شده استفاده می‌گردد و برای بررسی استقلال مانده‌ها از آماره دوربین - واتسون و آزمون گشت استفاده می‌شود.

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل دیچو^۱ به شکل زیر استفاده شده است:

الف) مدل مدیریت سود مرتبط با فرضیه شماره یک

$$P_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 E_{j,t} + \beta_2 E_{j,t} D_{j,t} + \beta_3 BV_{j,t} + \beta_4 BV_{j,t} D_{j,t} + \beta_5 ROE_{j,t} + \beta_6 LEV_{j,t} + \beta_7 NE_{j,t} + \epsilon_{j,t}$$

که در آن:

$P_{j,t}$: قیمت سهام برای شرکت زد در پایان ماه سوم در سال $t+1$

$E_{j,t}$: سود هر سهم برای شرکت زد در سال t

$BV_{j,t}$: ارزش دفتری هر سهم برای شرکت زد در پایان سال t

$D_{j,t}$: مساوی با یک، اگر مدیریت سود اعمال شود و در غیر این صورت مساوی با صفر است.

$ROE_{j,t}$: بازده حقوق صاحبان سهام برای شرکت زد در سال t

$LEV_{j,t}$: اهرم برای شرکت زد در سال t

NE_{jt} : زیان، چنانچه شرکت دارای زیان باشد، برابر با یک و در غیر این صورت مساوی با صفر است.

ب) مدل گسترش یافته مدیریت سود مرتبط با فرضیه شماره دو

$$P_{jt} = \varphi_0 + \varphi_1 E_{jt} + \varphi_2 E_{jt} S_{jt} + \varphi_3 E_{jt} L_{jt} + \varphi_4 BV_{jt} + \varphi_5 BV_{jt} S_{jt} + \varphi_6 BV_{jt} L_{jt} + \varphi_7 ROE_{jt} + \varphi_8 LEV_{jt} + \varphi_9 NE_{jt} + v_{jt}$$

که در آن:

S_{jt} : چنانچه سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت مدیریت شود، مساوی با یک و در غیر این صورت مساوی با صفر است.

L_{jt} : چنانچه سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت مدیریت شود، مساوی با یک و در غیر این صورت مساوی با صفر است.

یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه‌های پژوهش (آماره والد و بررسی فرضیه‌های آماری)

جدول (۱) آماره والد برای بررسی رد یا تأیید فرضیه‌های آماری

فرضیه	آماره والد	مقدار احتمال آماره والد	R2	نتیجه آماری
اول	۱۱/۵۴۲	۰/۰۲۳	۰/۷۰۸	فرض H0 رد می‌شود
دوم	۱۲/۶۵۳	۰/۰۱۲	۰/۵۲۰	فرض H0 رد می‌شود

جدول (۱)، نتایج آزمون فرضیه‌ها را با استفاده از مقدار احتمال آماره والد نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود به دلیل کوچک‌تر بودن مقادیر احتمال آماره والد از مقدار ۰/۰۵، فرض صفر در هر دو فرضیه رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. یعنی مدیریت سود، مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد و نیز مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت، اثر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری نسبت به مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت دارد. مقدار R^2 برای فرضیه اول ۰/۷۰۸ می‌باشد، یعنی ۷۰/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. مقدار R^2 برای فرضیه دوم ۰/۵۲۰ می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

جدول (۲) نتایج آزمون فروض کلاسیک

آزمون	فرضیه	مقدار احتمال آماره	نتیجه آماری
کولموگروف - اسمیرنوف	اول	۰/۰۸۶	نرمال بودن مانده‌ها تأیید می‌شود
	دوم	۰/۲۰۰	نرمال بودن مانده‌ها تأیید می‌شود
گشت	اول	۰/۱۴۰	استقلال مانده‌ها تأیید می‌شود
	دوم	۰/۰۶۱	استقلال مانده‌ها تأیید می‌شود

همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد، به دلیل بزرگ‌تر بودن مقادیر احتمال آماره‌های مربوط به آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف و گشت از مقدار $0/05$ ، نرمال بودن و استقلال در هر دو فرضیه تأیید می‌شود. مقدار آماره دوربین - واتسون مربوط به فرضیه شماره یک برابر $1/873$ است که با توجه به نزدیکی آن به عدد ۲، استقلال مانده‌ها تأیید می‌گردد. مقدار آماره دوربین - واتسون مربوط به فرضیه شماره دو برابر $1/952$ می‌باشد که با توجه به نزدیکی آن به عدد ۲، استقلال مانده‌ها را تأیید می‌شود.

جدول (۳) نتایج آزمون کفایت مدل‌ها

آزمون	فرضیه	آماره فیشر	P- Value	نتیجه آماری
فیشر	اول	۱۹۲/۶۲۳	۰/۰۰۰	مدل از کفایت لازم جهت بررسی برخوردار است
	دوم	۵۴/۱۹۳	۰/۰۰۰	مدل از کفایت لازم جهت بررسی برخوردار است

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌گردد، با توجه به کوچک‌تر بودن مقادیر P- Value آزمون فیشر از مقدار $0/05$ ، هر دو مدل تحقیق از کفایت لازم جهت بررسی و آزمون برخوردار می‌باشند.

جدول (۴) ضرایب متغیرها و نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه شماره یک

(مدل مدیریت سود)

متغیرها	ضریب	t	P-Value	نتیجه آماری
سود	۰/۰۰۳	۸/۹۸۰	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می شود
سود و مدیریت سود	-۰/۰۰۲	-۶/۵۵۸	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می شود
ارزش دفتری	۳/۵E-۵	۲/۰۹۷	۰/۰۳۶	فرض H_0 رد می شود
ارزش دفتری و مدیریت سود	۰/۰۰۲	۶/۸۷۸	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می شود
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۴۳۲	۷/۲۸۹	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می شود
اهرم مالی	-۰/۰۷۸	-۱/۳۵۰	۰/۱۷۸	فرض H_0 رد نمی شود
زیان	۰/۱۰۲	۰/۴۷۰	۰/۶۳۸	فرض H_0 رد نمی شود

در نتیجه مدل برازش شده مدیریت سود به شکل زیر در می آید:

$$\ln P_{jt} = 7.818 + 0.003 E_{jt} - 0.002 E_{jt} D_{jt} + 3.5 E - 5 BV_{jt} + 0.002 BV_{jt} D_{jt} \\ + 0.432 ROE_{jt} - 0.078 LEV_{jt} + 0.102 NE_{jt}$$

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، با توجه به کوچک تر بودن مقادیر P-Value متغیرهای سود، سود و مدیریت سود، ارزش دفتری، ارزش دفتری و مدیریت سود و بازده حقوق صاحبان سهام از مقدار 0.05 فرض H_0 در مورد کلیه این متغیرها رد می شود. با توجه به بزرگ تر بودن مقادیر P-Value متغیرهای اهرم مالی و زیان از مقدار 0.05 فرض H_0 را درباره دو متغیر مذکور نمی توان رد کرد (این متغیرها معنادار نمی باشند).

با توجه به منفی بودن ضریب متغیر سود و مدیریت سود (-0.002) و مثبت بودن ضریب متغیر ارزش دفتری و مدیریت سود (0.002) فرضیه یک تأیید می شود. یعنی مدیریت سود، مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می دهد.

جدول (۵) ضرایب متغیرها و نتایج آماری مرتبط با فرضیه شماره دو

(مدل گسترش یافته مدیریت سود)

متغیرها	ضریب	t	P-Value	نتیجه آماری
سود	۰/۰۰۰	۴/۷۳۲	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت	۰/۰۱۹	۲/۵۹۴	۰/۰۰۲	فرض H_0 رد می‌شود
سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت	۰/۰۱۵	۲/۲۸۶	۰/۰۰۲	فرض H_0 رد می‌شود
ارزش دفتری	۵/۳E-۵	۲/۳۷۴	۰/۰۰۲	فرض H_0 رد می‌شود
ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت	۲/۹E-۵	۲/۷۸۳	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت	۴/۴E-۵	۲/۴۷۶	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۴۱۶	۵/۳۶۶	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
اهرم مالی	۰/۰۲۴	۰/۲۹۶	۰/۷۶۷	فرض H_0 رد نمی‌شود
زیان	۰/۱۶۸	۰/۵۷۶	۰/۵۶۵	فرض H_0 رد نمی‌شود

در نتیجه مدل برازش شده مدیریت سود گسترش یافته به شکل زیر در می‌آید:

$$\ln P_{jt} = 8.153 + 0.00E_{jt} + 0.019E_{jt}S_{jt} + 0.015E_{jt}L_{jt} + 5.3E - 5BV_{jt} + 2.9E - 5BV_{jt}S_{jt} + 4.4E - 5BV_{jt}L_{jt} + 0.416ROE_{jt} + 0.024LEV_{jt} + 0.168NE_{jt}$$

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، با توجه به کوچک‌تر بودن مقادیر P-Value متغیرهای سود، سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت، ارزش دفتری، ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت و بازده حقوق صاحبان سهام از مقدار ۰/۰۵، فرض H_0 در کلیه این متغیرها رد می‌شود. با توجه به بزرگ‌تر بودن مقادیر P-Value متغیرهای اهرم مالی و زیان از مقدار ۰/۰۵، فرض H_0 را در این دو متغیر نمی‌توان رد کرد (این متغیرها معنادار نمی‌باشند).

با توجه به کوچک‌تر بودن ضریب متغیر سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت (۰/۰۱۵) از ضریب متغیر سود و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی

اختیاری کوتاه مدت (۰/۰۱۹) و بزرگ تر بودن ضریب متغیر ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت (۴/۴E-۵) از ضریب متغیر ارزش دفتری و مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت (۲/۹E-۵) فرضیه دو تأیید می‌شود. یعنی مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت، اثر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری نسبت به مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت دارد.

نتایج به دست آمده در خصوص تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن سود با یافته‌های تحقیقات قبلی سازگاری دارد. نتایج تحقیق حبیب (۲۰۰۴) نشان داد که معیارهای مدیریت سود دارای رابطه معنادار منفی با مربوط بودن سود می‌باشد. تان و لیم (۲۰۰۷) نیز در تحقیق خود نشان دادند که در قیمت‌گذاری متغیرهای حسابداری، هم سود و هم ارزش دفتری مربوط است. توماس زوسکی و جرماکویکز (۲۰۰۱) مربوط بودن سیستم حسابداری جدید در لهستان را با استفاده از مدل به دست آمده از چارچوب ارزشیابی اولسن - بل - ادواردز بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که هم سود جاری و هم ارزش‌های دفتری تأخیری دارای رابطه معنادار مثبت با قیمت می‌باشند.

سعیدی و قادری (۱۳۸۶) نیز در تحقیق خود نشان دادند که ارزش دفتری دارای بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی ارزش بازار شرکت و ترکیب آن با سود حسابداری بهترین مدل جهت پیش‌بینی ارزش بازار شرکت است. کردستانی و رودنشین (۱۳۸۵) نیز در تحقیقی دریافتند که جزء نقدی سود، توان پیش‌بینی ارزش بازار شرکت را دارد و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده سهام‌داران عادی برای پیش‌بینی ارزش بازار شرکت، اطلاعاتی مربوط به حساب می‌آیند.

نتیجه گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل همبستگی بین متغیرهای مستقل، کنترل و ظاهری با متغیر وابسته، مدیریت سود اثر مثبت و معناداری بر روی مربوط بودن ارزش دفتری و اثر منفی و معناداری بر روی مربوط بودن سود می‌گذارد و نیز مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت، اثر مثبت و معناداری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری نسبت به مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت می‌گذارد.

توصیه برای تحقیقات آتی

محققینی که علاقه‌مند به مطالعه در زمینه مدیریت سود و مربوط بودن اطلاعات حسابداری هستند، می‌توانند در قلمروهای زیر پژوهش‌های تکمیلی انجام دهند:

۱. بررسی عوامل مؤثر برون سازمانی مثل نرخ بهره، نرخ تورم، نرخ ارز و... بر مدیریت سود.

۲. بررسی راهکارهای جلوگیری از سوءاستفاده مدیران از مدیریت سود.

۳. بررسی عواملی که ممکن است اختصاص به شرایط اقتصادی و فرهنگی خاص جامعه ایران داشته باشد، مانند عملکرد مدیران یا بنگاه‌های دولتی در این زمینه و تأثیر آن بر مدیریت سود.

منابع و ماخذ

۱. ابراهیمی کردلر، علی و حسنی آذردریانی، الهام. (۱۳۸۵). "بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
۲. درستی، علی اکبر. (۱۳۸۵). "بررسی پدیده مدیریت سود از راه فعالیت‌های مؤثر بر جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
۳. سعیدی، علی، قادری، احسان. (۱۳۸۶). "بررسی مربوط بودن سود حسابداری، ارزش دفتری گردش و وجه نقد عملیاتی و سرمایه‌گذاری در مدل‌های ارزشیابی مبتنی بر قیمت"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
۴. عرب مازار یزدی، محمد. (۱۳۷۴). "محتوای افزاینده اطلاعاتی جریان‌های نقدی و تعهدی"، رساله دکتری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۵. کردستانی، غلامرضا، رودنشین، حمید. (۱۳۸۵). "بررسی میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
۶. مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه و کرمی، غلامرضا. (۱۳۸۴). "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
۷. ملا نظری، مهناز و کریمی زند، سارا. (۱۳۸۶). "بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۴۷.
۸. نروش، ایرج؛ نیک‌بخت، محمدرضا و سپاسی، سحر. (۱۳۸۴). "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره ۴۳.
۹. یزدانی، آزاده. (۱۳۸۵). "بررسی نقش ترازنامه در محدود کردن مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

- and Earnings Management: An Analysis of Pseudo Earnings Targets*", Journal of Accounting Review, Vol. 81 No.3 pp.617-652.
11. Chen Charles J.P, Shimin Chen and Xijia Su. (1999). "*Is Accounting Information Value Relevant?*", www.ssrn.com.
 12. Habib, A. (2004) "*Impact of Earnings Management on Value-Relevance of Accounting Information: Empirical Evidence from Japan*", University of Dhaka.
 13. Healy, P. and J. Wahlen. (1999). "*A review of the earnings management literature and its implications for standard setting*", Accounting Horizons, Vol.13, No. 4 pp. 365-383.
 14. Guenther D. A. (2005). "*Financial Reporting and Analysis*", McGraw-Hill.
 15. Tan, P.M and Lim, C.Y. (2007). "*the value relevance of accounting Variables and analysts' forecasts*" Journal of Review of Accounting and Finance, Vol.6 No.3 pp.233-253.
 16. Tomaszewski, S.G and Jermakowicz, E.K. (2001). "*Accounting based-Valuation Polish Listed Companies*" Journal of International Financial Management and Accounting, Vol.12 No.1 pp 50-74.
 17. Whelan, C. (2004). "*The Impact of Earnings Management on the Value-Relevance of Earnings and Book Value: A comparison of Short-term and Long-term Discretionary Accruals*". PhD Dissertation. PP 1-158.